فصلنامه علمی ـ پژوهشی مطالعات تفسیری
سال نهم، زمستان ۱۳۹۷، شماره ۳۶
صفحات: ۱۰۲ ـ ۸۳

Commentary Studies
A Quarterly Research Journal
Vol. 9, Winter 2019, No. 36

تحلیل تفسیری سیر نزول آیات حجاب

محمدحسین ملامیرزائی* / مهدی بیاتی** / محمد شریفی***

چکیده

حجاب، با وجود اهمیّت بسیارش، در اسلام اصالت ندارد؛ بلکه امر اصیل، عفاف و خودکنترلی است؛ زیرا اگر عفاف نباشد حجاب نیز کارکرد خود را از دست خواهد داد. نتیجه این پژوهش گویای این است که مهندسیِ تحقّق حجاب در جامعه، مبتنی بر نظریه حریم جنسی است که بر اساس آن، همّت اصلی بر ایجاد حریم حداکثری بین دو جنسِ زن و مرد، در تمامیِ ساحت‌های زندگی می‌باشد که در هر ساحتی حریمی متناسب با آن و براساس اقتضاء و واقعیت‌های زندگیِ بشری تعریف می‌شود که حجاب شرعی یکی از همین حریم‌ها برای ساحتِ تعاملات اجتماعی در فضای اختلاط است. خدای متعال در این سیر نزول، نظام هنجاری‌ای را شکل می‌دهد که ازجمله مهمترین شاخصه‌هایش، ارزش بودنِ ارتباطِ حداقلی با جنس مخالف به‌عنوان یک گزاره ایده‌آل است و حجاب در این ساختار هنجاری، تنها قطعه‌ای از پازل است و خودِ آن محوریت ندارد. عقبه این ساختار هنجاری مبتنی بر تحکیم روحیه عفّت‌مئابی است. التزام عملی به این ساختارِ هنجاری باید از طبقه حاکم بر جامعه شروع شود تا سایر اقشار مردم نیز خود را ملتزم بدانند و رویکرد آن کاملاً فرهنگی و به‌دور از تنش‌های امنیتی باشد و در مدلِ مهندسی اسلام در امر حجاب، مردان به‌عنوان سرپرست خانواده‌ها مسئول مدیریّت و نظارت بر این مهم هستند.

واژگان کلیدی

خود کنترلی، سیر نزول آیات حجاب، عفاف، مهندسی حجاب، نظریه حریم جنسی.

---

*. دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم. mh.mir313@gmail.com
**. دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم. mbayati12@gmail.com
***. استادیار دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول). m.sharifi@umz.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۱
تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۲۴

طرح مسئله

حجاب و پوشش اسلامی یکی از ضروریات دین اسلام است که وجوب آن مورد اتّفاق همه فرقه‌های اسلامی است و یکی از مهم‌ترین نمادهای جامعه متدین به دین اسلام شناخته می‌شود، ازاین‌رو یکی از اهداف، بلکه وظایف حکومت اسلامی، تبلیغ، ترویج و نهادینه کردن حجاب اسلامی در تمامی لایه‌های اجتماع است. امّا در این میان گاهی قرائت‌های سلیقه‌ای از مقوله عفاف و حجاب و حتی نظریات گوناگون در چگونگی انجام این مهم سبب شده تا آن نتیجه مطلوب و موردنظر به‌دست نیاید و تا غایت مطلوبِ اسلامی فاصله زیادی وجود داشته باشد. لذا ضرورت، مقتضی است تا با نگاهی ژرف نسبت به روش مدیریتی عصر نبوی در مقوله حجاب که مبتنی بر تعالیم وحیانی است به اصول و چارچوبی دست یابیم که ما را در مهندسی تحقّق حجاب در جامعه کنونی یاری رسانده و از کارآمدی لازم برخوردار باشد.

غالب پژوهش‌هایی که تا کنون در این زمینه انجام شده است،[1] با رویکرد گزارشی از نوع اجرای حجاب در صدر اسلام و زمان نبی اکرمﷺ بوده و معمولاً در حد تفسیر آیات و استفاده‌های تفسیری است و کمتر در این زمینه مدل‌سازی شده و نیز به مقولاتی نظیر جایگاه‌شناسی حجاب در آموزه‌های اسلام و اهداف اجرای آن، روش‌شناسی تحقّق آن در جامعه در عصر نبوی و رویکرد تحلیلی نه صرفاً گزارشی نسبت به آنچه که در صدر اسلام نسبت به حجاب در سطوح مختلف جامعه وجود داشته است، کمتر توجه شده است، از این‌رو با توجّه به اینکه نوشته‌ای منسجم و کاربردی که به‌جوانب مختلف قضیه پرداخته باشد، کمتر نگاشته شده و هنوز احساس نیاز به تقریرات دقیق‌تری وجود دارد، بر آن شدیم تا با مراجعه به کلام وحی و احادیث، ضمن ارائه تصویر روشن از مقوله حجاب، مهندسی و مدل روشی اسلام جهت ساماندهی و تحقق حجاب در جامعه را رمزگشایی کرده و مدلی ملموس و کاربردی را برای جامعه خود ارائه دهیم.

مسئله اصلی در این نوشتار، آن است که روش دین مبین اسلام در تحقّق حجاب در جامعه چگونه است؟ اسلام جهت تحقق حجاب اسلامی، از چه نوع مهندسی و قالب‌ریزی هنجاری بهره می‌جوید و با چه فرآیندی موجب می‌شود تا افراد جامعه با رغبت و از روی فهم و کاملاً پذیرا به حجاب اسلامی التزام عملی داشته باشند؟ برای دست یافتن به پاسخ این سؤال باید به سؤال‌های دیگری نیز پاسخ داد از جمله:

۱. جایگاه حجاب در آموزه‌های اسلامی چیست و آیا خودِ حجاب، موضوع و دغدغه اصلی است؟ یا حجاب صرفاً ابزاری برای تحقّق امر دیگری است؟

---

۱. به‌عنوان نمونه: مقاله «بررسی مفهوم حجاب در متون اسلامی، جایگاه آثار و جلوه‌های تربیتی آن» (رهنما و دیگران، ۱۳۹۴) و مقاله «چیستی حجاب اسلامی معناشناسی حجاب از منظر آیات حجاب». (شفیعی مازندرانی، ۱۳۹۰)

۲. سیر نزول آیات قرآن کریم، جهت بیان حکم حجاب، چگونه و به چه روشی بوده است؟

۳. نگاه اسلام به مقوله حجاب، در حد الگوی پوششی خاص است یا آن را بخشی از یک سناریوی هنجاری اجتماعی می‌داند؟

۴. تبلیغ و ترویج حجاب از کدام طبقه جامعه باید شروع شود؟ حاکمیت یا مردم؟

۵. چه کسانی به‌عنوان مسئول و مدیران میدانی تحقّق حجاب در جامعه، شناخته می‌شوند و باید نسبت به وضعیت حجاب افراد جامعه پاسخ‌گو باشند؟

۶. برخورد اسلام با مقوله حجاب، برخوردی امنیتی و انتظامی است یا از رویکردی فرهنگی ـ اجتماعی بهره می‌جوید؟

آنچه که پژوهشگران در این پژوهش به‌عنوان فرضیه در نظر گرفته و در صدد اثبات آن هستند آن است که اساساً خودِ حجاب و پوشش اسلامی برای اسلام موضوعیت و اصالت ندارد، بلکه آنچه اصالت دارد عفاف و ملکه خودکنترلی در قبال مفاسد و معاصی است و حجاب به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارها در جهت تحقق و صیانت از آن در نظر گرفته شده است.

براساس آیات و روایات، به نظریه‌ای تحت عنوان حریم جنسی می‌رسیم. بدین بیان که اسلام به دنبال تعریف ساختاری هنجاری است که به مرزبندی و تعیین حریم بین دو جنس در ساحت‌های مختلف زندگی اجتماعی منجر می‌شود که برای هر ساحتی، ساختار و دستورالعمل خاصی در نظر گرفته شده که همّت اصلی بر کمتر نمودن مواجهه و مراوده مستقیم بین دو جنس تا حدّ امکان است؛ بدین صورت که ـ بر اساس سیر نزول آیات ـ شامل: التزام زنان به حضور در منزل (التزام به منزل بانوان) به‌عنوان یک ارزش و اولویت و همین‌طور تفکیک جنسیت بین زنان و مردان و عدم اختلاط در فعالیت‌های اجتماعی و تعامل غیر مستقیم در صورت لزومِ ارتباط‌گیری بین دو جنس و حجاب شرعی برای تعامل مستقیم بین دو جنس در شرایطی که اقتضا داشته باشد؛ است. عقبه این ساختار هنجاری مبتنی بر تحکیم روحیه عفّت‌مئابی است که در قالب تعریف حریم بین دو جنس نهادینه‌سازی می‌شود.

در این مهندسی هنجاری، حجاب، تنها قطعه‌ای از یک پازل است و خودِ آن محوریت ندارد. التزام عملی به این ساختار هنجاری باید از طبقه حاکم شروع شود و رویکرد آن کاملاً فرهنگی و به‌دور از تنش‌های امنیتی باشد و در مدلِ مهندسی اسلام در امر حجاب، مردان به‌عنوان سرپرست خانواده‌ها مسئول مدیریت و نظارت بر این مهم هستند.

الف) جایگاه‌شناسی لباس (به‌عنوان پوشش و حجاب ظاهری) در تعالیم اسلام

حجاب مصطلح شرعی، مربوط به لباس و نوع پوشش ظاهری است ـ که دارای شرایط مشخّصی است ـ

و اصل لباس و پوشش به‌عنوان موهبتی از سوی خدای متعال معرفی شده است. خداوند می‌فرماید:

> يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْءَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ. (اعراف / ۲۶)
>
> ای فرزندان آدم، به‌یقین بر شما لباسی که عورت‌های شما را بپوشاند و لباسی که انواع زینت و زیبایی را برای شما دارد،[1] نازل کردیم (مواد اولیه آن را در زمین آفریدیم و استعداد تهیه آن را به شما دادیم) و البته لباس تقوا بهتر است. اینها از آیات و نشانه‌های خدا است، باشد که متذکر شوند.

در این آیه، لباس به‌عنوان موهبتی خدادادی دانسته شده که خدای سبحان آن را به‌عنوان تکریم، به فرزندان آدم عطا کرده و دو کارکرد برایش بیان می‌کند: ۱. پوشاندن زشتی‌های ظاهری ۲. جمال و زینت.

برخی قائلند عبارت «يُوَارِي سَوْءَاتِكُمْ» مدح لباس و به‌عبارت دیگر، بیان‌کننده شأن لباس است که باید پوشاننده عیب‌ها باشد و الّا بسیاری از لباس‌ها همچون عمامه و قبا به هدف پوشاننده عیوب نیست و منظور از ریش نیز در اینجا لباس تزیین است و به‌همین دلیل به لباس تزیین، ریاش گفته می‌شود و بر این اساس، معنای آیه چنین می‌شود که: برای شما فراهم کردیم لباسی برای اینکه خود را بپوشانید و لباسی برای زینت دادن خود. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۸ / ۵۸)

این بیان، نشان از توجّه بسیار و البته هدفمند خدا به مسئله پوشش است. و ازاین‌رو در آیات دیگر،[2] برای چگونگی پوشش، ضوابطی را معین می‌کند که همان حجاب مصطلح شرعی است. در ادامه آیه، خدای متعال در مقابل لباس ظاهری، سخن از لباس باطنی، یعنی «تقوا» به‌میان می‌آورد و لباس تقوا را برتر از لباس ظاهری برمی‌شمارد. خدای متعال از تقوا با عنوان لباس تعبیر کرد؛ زیرا نسبت تقوا در باطن انسان مانند نسبت لباس است در ظاهر انسان. همان‌طور که لباسِ ظاهری، عورات و زشتی‌های ظاهری را می‌پوشاند و همچنین موجب زینت و جمال ظاهری می‌گردد؛ تقوا نیز سبب می‌شود تا رذائلِ نفسِ انسانی پوشیده بماند و نه‌تنها انسان، از رسوایی مصون بماند بلکه به خوش سیرتی نیز شناخته شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۴۵)

امّا نکته‌ای که باید به تحلیلِ آن پرداخت این است که مراد از «تقوا» چیست؟ در روایتی از امام باقر علیه‌السلام در توضیح این آیه چنین آمده است: «... وَأَمَّا لِبَاسُ التَّقْوَي فَالْعَفَافُ، (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۰ / ۱۶۸) ... و امّا

---

۱. این کلمه از ریش پرنده گرفته شده است که در آن انواع زینت و زیبایی وجود دارد، از این رو ریش به هر چه در آن زیبایی است، گفته می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸ / ۶۷)

۲. احزاب / ۵۹؛ نور / ۳۱؛ نور / ۶۰.

لباس تقوا، همان عفاف و خود کنترلی است.» لازم به ذکر است که در معنای عفاف در لغت چنین آمده است: «العِفّة: الکَفُّ عما لا یَحِلّ و یَجْمُل؛» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۹ / ۲۵۳) حضرت در ادامه این روایت بیانی دارد که وجه برتر بودن لباس تقوا بر لباس ظاهری را روشن می‌سازد:

> فرد عفیف حتی اگر برهنه از لباس ظاهری بماند باز زشتی‌هایش ظاهر نمی‌شود [عفّت پیشه می‌کند و خود را حفظ می‌کند] ولی شخص فاجر و غیرعفیف حتی اگر تمامی بدنش را لباس پوشانده باشد باز زشتی‌هایش آشکار می‌شود.

همان‌طور که حضرت بیان فرموده است؛ برخورداری از عفاف، انسان را از رسوایی حفظ می‌کند و اگر عفاف نباشد، پوشش ظاهری نیز کارکرد خود، که همان مستورسازی عیوب و زشتی‌ها است را از دست می‌دهد و به‌همین جهت است که خدای متعال فرموده است: لباس تقوا و عفاف بهتر است و درواقع عفاف باید روح حاکم بر انتخاب و وضعیت لباس باشد.

بنابراین بر اساس فرمایش حضرت؛ باید مسئله و دغدغه اصلی، رعایت لباس باطنی (عفاف) باشد؛ زیرا فقط زمانی لباس ظاهری بهره‌وری لازم را دارد که انسان، لباس باطنی عفاف بر تن داشته باشد. لذا آنچه از اهمیت اوّل برخوردار است عفاف و خودکنترلی است؛ زیرا عفاف مهم‌ترین پشتوانه، برای کارآمدی پوشش ظاهری است.

ب) سیر نزول آیات قرآن کریم، جهت بیان حکم حجاب

در قرآن کریم پیش از دستور به حجاب (به‌معنای پوشش بدن با لباس)، دستوراتی مقدّم شده که مخاطبان را در فضای هنجاری خاصی قرار می‌دهد که موجب می‌شود تا دستور به حکم حجاب را به‌راحتی پذیرا شوند. این دستورها، حول محور پوشیده بودن از دیدگان جنس مخالف است.

۱. التزام به منزل بانوان (خانه، به‌منزله پوشش از دید نامحرمان)

نخستین امر الهی، پیرامون حکم التزام به منزل برای زنان است، خدای متعال می‌فرماید:

> وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَ لا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجاهِلِيَّةِ الْأُولى. (احزاب / ۳۳)
>
> (ای زنان پیامبر) در خانه‌هایتان بمانید و مانند زنان در دوران جاهلیت نخستین به تبرج و جلوه‌گری نپردازید.

واژه «قَرْنَ» از «وقر یقر» به‌معنای مستقر شدن و برجای‌ماندن و در این آیه شریفه، به‌معنای سنگینی، وقار و متانت و کنایه از قرار گرفتن در خانه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷ / ۲۹۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸ / ۵۵۸)

و مراد این است که ای زنان پیامبر! از خانه‌های خود بیرون نیایید (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۳۰۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸ / ۵۵۸) که از نظر نتیجه، تفاوت چندانی با معنای نخست نخواهد داشت. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷ / ۲۹۰) آیه شریفه، زنان را به قرارگرفتن در خانه امر می‌کند و اینکه بدون حاجت از منزل خارج نشوند. (صادقی تهرانی، ۱۴۰۸: ۲۲ / ۱۰۵) سید قطب با توجّه به این معنا معتقد است «قرن»، تعبیر لطیفی است، یعنی: خانه پایگاه زن است، ازاین‌رو زن به‌قدر نیاز و حاجت می‌تواند از منزل خارج شود. (سید قطب، ۱۴۰۸: ۵ / ۲۸۵۹)

«تَبَرُّج»، واژه‌ای قرآنی و به‌معنای خودنمایی زنان و اینکه زیبایی و زینت‌شان را آشکار کنند. ریشه این واژه، «برج»، در عربی در دو معنای اصلی به‌کار می‌رود: «بروز و ظهور»، و «ملجأ و مکان بلند»؛ تبرّج از معنای نخست گرفته شده است و بروج (برج‌های فلکی و برج و باروهای شهر) به‌معنای دوم راجع است. (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۱ / ۲۳۸) فراهیدی در معنای کلمه تبرّج گفته است: «آنگاه که زن زیبایی‌های گریبان و چهره را بنمایاند، گفته می‌شود: «تبرّج» کرده است». (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۶ / ۱۱۵) فیومی نیز جلوه‌گری و عرضه زیبایی‌ها را مفهوم تبرّج دانسته و می‌گوید: «تبرجت المرئة؛» (فیومی، ۱۴۱۴: ۱ / ۴۲) یعنی زن، زیبایی‌ها و زینت‌هایش را در مقابل نامحرم آشکار سازد.

در احادیث نیز به دیگر مصداق‌های تبرّج اشاره و بر نهی از آنها تأکید شده است، از جمله پوشیدن لباس‌های بدن‌نما و تشبه به مردان، استعمال بیش از اندازه بوی خوش و جز اینها که موجب جلب توجه مردان می‌شود. در حدیث نبوی، تبرّج، نکوهیده و از صفات رذیله زنان دانسته شده است. (طباطبائی یزدی، بی‌تا: ۲ / ۷۹۹) بر اساس روایات، تبرّج در جاهلیت به‌نوعی خودنمایی آشکار به قصد دل‌ربایی از مردان تفسیر شده است. (ابن‌کثیر، ۱۴۱۲: ۳ / ۷۹۷؛ سیوطی، ۱۴۱۴: ۵ / ۱۹۷)

براساس آیه مذکور، خدای متعال التزام به‌منزل و عدم هر گونه ارتباط با نامحرم را ـ در شرایطی که امکانش وجود دارد و هیچ‌گونه اقتضاء و ضرورتی برای ارتباط‌گیری با جنس مخالف وجود ندارد ـ به‌عنوان یک امر ارزشی و ایدئال مورد توجّه قرار داده و زنان را بدان امر نموده است.

اگرچه خطابِ الزامی آیه مذکور به زنان پیامبرﷺ است؛[1] اما می‌تواند مرادِ خدای متعال، همه زنان باشد و احکام مطرح‌شده عام باشد به‌طوری که التزام به منزل برای زنان دیگر نیز مطلوبیت داشته باشد اگرچه واجب نباشد و تکیه آیه بر زنان پیامبرﷺ از باب تأکید بیشتر باشد، درست مثل اینکه به شخص

۱. نویسندگان، اسم این آیه و آیه بعدی را ـ که حکم ویژه همسران پیامبر بیان می‌کند ـ «حجاب فراتر» نهاده‌اند، به اینکه حکمی که در این دو آیه اشاره می‌شود بر زنان پیامبرﷺ، واجب می‌کند کسی قد و قامت آنها را نبیند به صورتی که خانه و یا پرده پوشاننده و حجاب آنها مانع از دید نامحرمان باشد و این حکم اختصاصی، فراتر از حجابی است که بر زنان عادی واجب است که در نهایت چادر یا روسری است که با آن بدن را می‌پوشانند.

دانشمندی بگویند: تو که دانشمندی دروغ مگو، مفهومش این نیست که دروغ گفتن برای دیگران مجاز است، بلکه منظور این است که یک مرد عالم باید به‌صورت مؤکدتر و جدی‌تری از این کار پرهیز کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷ / ۲۹۱)

این آیه شریفه بیانگر اهمیت محفوظ و مستور بودن از نامحرم و نهی از خودنمایی است که به زنان مسلمان دستور می‌دهد همانند زنان عصر جاهلیت نخستین نباشند و هنگام حضور در اجتماع، از خودنمایی و خودآرایی بپرهیزند. روشن است که مراد محصور و محبوس نمودن زن در خانه و جدا نمودن او از اجتماع نیست؛ زیرا مخاطبان آیه؛ یعنی زنان پیامبرﷺ به شهادت تاریخ همراه آن حضرت به مسافرت رفته، در جنگ‌ها شرکت جسته و پیامبرﷺ نیز منعی نفرموده است. (عسکری و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۳ ـ ۴۶)

باید توجّه داشت عمومیت خطاب، در زبان سیاستگذاری اجتماعی به هنجار تعریف می‌شود. بدین صورت که التزام به منزل بانوان باید به‌عنوان یک ارزشِ عمومی و در پی آن، به‌عنوان یک هنجار شناخته شود و سیاستگذاری‌های کلان نیز در راستای آن تدوین شود.

بر اساس آیه، قرار گرفتن در خانه (التزام به منزل بانوان) و به تبعِ آن خانه‌داری و فرزندپروری، به‌عنوان یک اولویت برای زنان برشمرده شده است (کاشانی، ۱۴۱۰: ۴۲۲؛ جرجانی، ۱۳۴۱: ۸ / ۵۰؛ سبزواری، ۱۴۰۶: ۵ / ۴۳۵) و شاهدش آن است که اگر غرضِ خدا فقط این باشد که زنان تبرّج نکنند و حضور اجتماعی سالمی داشته باشند، دیگر لازم نبود تا قبل از آن، امر به التزام به منزل نماید و عبارت «وَ لا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجاهِلِيَّةِ الْأُولى» کافی بود. بنابراین می‌توان چنین استفاده کرد که با آوردن عبارت «قَرْنَ في بُيُوتِكُنّ» التزام به منزل و به تبعِ آن خانه‌داری، به‌عنوان یک اولویت برای زنان برشمرده شده است. توجه به این نکته می‌تواند تعریف مشاغل خانگی مفید و مؤثر برای بانوان به‌گونه‌ای که در خانه احساس خوبی داشته باشند و به‌خاطر احساس تشخص، مجبور به حضورِ اختلاطی با نامحرمان نباشند را به‌عنوان یک اولویت برای ساماندهی به امور زنان در نظر قرار دهد.

مؤید این مطلب قرآنی، روایاتی است که در باب اولویت التزام به منزل برای زنان وجود دارد. دسته‌ای از روایات، زنان را از رفتن به مسجد بازداشته‌اند و از کتاب‌های روایی و فتاوای بعضی از فقهای شیعه و سنی استفاده می‌شود که برای زنان خواندن نماز در خانه از نماز خواندن در مسجد فضیلت بیشتر دارد. رسول خداﷺ فرمود: «به تنهایی و در خانه نماز خواندن زن، مثل نماز در جمع است، درحالی‌که ۲۵ درجه فضیلت دارد». (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۵ / ۲۳۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۰ / ۳۷۱)

امام صادقؑ می‌فرماید: «بهترین مساجد و محل عبادت برای زنانتان خانه‌ها است.» (حرعاملی، همان) همچنین فرمود: «نماز زن در اطاق عقبی (پستو) برتر از نماز او در اطاق جلویی است و نماز او در اطاق نشیمن

برتر از نمازش در خانه‌اش است.» (ابن‌بابویه، ۱۴۰۴: ۱ / ۳۹۷) این بیان روایت اخیر، نشان از شدّت اهتمام به مستور بودن حداکثری زن از نامحرم است. مسجد که محل عبادت است و این‌قدر نسبت به اقامه نماز در آن به‌خصوص به جماعت تأکید شده است، ولی برای زنان اقامه نماز در منزل برتر شمرده شده است.

روزی امام علی‌ﷺ وارد منزل شد و از سؤال پیامبرﷺ از اصحاب خبر داد که کسی جوابش را نمی‌دانست. سپس حضرت فاطمه‌ﷺ جواب را توسط همسرش به پیامبر رسانید که تصدیق ایشان و جمله معروف «إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي» را به‌دنبال داشت و سؤال این بود که نزدیک‌ترین حالتِ زن به پروردگارش چه موقعی است؟ حضرت فاطمه‌ﷺ چنین پاسخ فرمود: «أَنَّ أَدْنَى مَا تَكُونُ مِنْ رَبِّهَا أَنْ تَلْزَمَ قَعْرَ بَيْتِهَا؛ (نوری، ۱۴۰۸: ۱۴ / ۱۸۲) نزدیک‌ترین موقعیت زن به پروردگارش هنگامی است که به درون خانه بودن، التزام داشته باشد».

نکته مهمی که باید بدان توجه داشت آن است که اگر ضوابط پوششی و عفاف رفتاری رعایت شود، رفتن به مسجد و شرکت در نماز جماعت برای زنان نیز مستحب خواهد بود و تمامی ادله مربوط به استحباب حضور در مسجد و نماز جماعت، زنان را نیز شامل می‌شود امّا آنچه در صدد بیان آن هستیم آن است که اگر کسی به قصد عدم اختلاط احتمالی با نامحرم و مستور بودن حداکثری از دیدگان نامحرم، به‌عنوان یک ایدئال، التزام به منزل داشته باشد و نماز را فرادی و در خانه خود اقامه کند بر اساس روایات متعدّد، که به برخی از آنها پرداخته شد، از ثواب و اجر بیشتری برخوردار خواهد گردید، از این‌رو در اینجا التزام به منزل بانوان به‌عنوان یک امر ایدئال و دارای مصلحت اهم از اقامه در مسجد و جماعت مورد توجه است. البته این حکم اولی بحث است، لذا اگر عنوانی ثانوی پیدا شود که حضور در مسجد را ارجح قرار دهد و در مقام تزاحم، مصلحتی اهم از مستور بودن از نامحرم وجود داشته باشد، مانند برخی از ضرورت‌های مهم سیاسی و غیره؛ حکم نیز تابع همان عنوان ثانوی خواهد بود.[۱]

۲. تفکیک جنیست (پرده، به‌منزله پوشش از دید نامحرمان)

پس از آنکه در آیه ۳۳ سوره احزاب، زنان به اشتغال‌های خانگی و عدم‌حضور غیر ضرور در فضای عمومی امر شدند، اینک در آیه ۵۳، به نحوه حضور و فعالیت اجتماعی آنان برای ساماندهی به نیازهای

---

۱. امام خمینی می‌نویسد: «برای زن‌ها نماز خواندن در خانه، بلکه در صندوق‌خانه و اطاق عقب بهتر است. ولی اگر بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند». (امام خمینی، ۱۳۹۱: مسئله ۸۹۳) همچنین آیت‌اللّه مکارم شیرازی می‌نویسد: «برای زن‌ها بهتر آن است که نماز را در خانه بخوانند، ولی اگر خود را از نامحرم به‌خوبی حفظ کنند، بهتر است در مسجد بخوانند». (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵: مسئله ۸۱۷) از این عبارت‌ها به‌دست می‌آید که غرض اصلی مستور بودن حداکثری و عدم ارتباط بین دو جنس است و این مهم، با اقامه نماز در خانه محقق است و اگر فرضاً شرایطی محیا شود که زنان نیز بتوانند با عدم اختلاط در مسیر و مستور بودن کامل، در مساجد نیز حضور یابند؛ هم امر ایده‌آل مستور بودن حداکثری و هم فضیلت اقامه در مسجد و جماعت هر دو تدارک شده است.

روزمره پرداخته شده است:

وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِن وَرَاءِ حِجَابٍ ذَٰلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ. (احزاب / ۵۳)
(ای مردان مومن) ... و چون متاعی [کالایی] از آنان [زنان پیامبر] خواستید از پشت پرده بخواهید، که آن پاکیزه‌تر است برای دل‌های شما و دل‌های آنان.

این آیه دلالت بر پرهیز از مواجهه مستقیم مردان با زنان نامحرم دارد، آن‌هم در اموری که غرض عقلایی مانند گرفتن وسیله در کار باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۳۳۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸ / ۵۷۶) پس به طریق اولی دلالت بر نهی از اختلاط‌نشینی دورهمی و تفرّجی دارد. اگرچه حکم الزامی برای همسران پیامبرﷺ است، ولی با تنقیح مناط می‌توان حداقلّ استحباب آن را برای سایر زنان اثبات نمود. (مغنیه، ۱۳۸۴: ۵۵۸؛ همو، ۱۴۰۰: ۶ / ۲۳۵)

صدیقه کبریؑ در این باره می‌فرماید: «بهترین چیز برای زن آن است که مردی را نبیند و نیز مورد مشاهده مردان قرار نگیرد». (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۰ / ۶۷)

در آیه فوق، علت تفکیک فضای دو جنس؛ صیانت از طهارت قلوب و عفت باطنی آنها بیان شده است «ذٰلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ» که این تعلیل، هدف عفاف‌گرایی را در زمان دستور به پوشیدگی و وجود مانع بین نامحرمان را در نظر مخاطب پررنگ می‌کند تا جایی که حتی در انجام امور روزمره باید از ارتباط مستقیم بپرهیزد تا درّ گران‌قدر عفاف و طهارت را از دست ندهد.

۳. حجاب برتر (چادر، به منزله پوشش حداکثری بدن، با شیوه‌ای خاص)

پس از آنکه در آیه ۵۳ سوره احزاب، ارزش‌سازی بر اساس پرهیز از ارتباط مستقیم با جنس مخالف صورت گرفت؛ حالا در آیه ۵۹ همان سوره، نحوه حضور زنان در فضای اختلاطی بیان می‌شود. که اگر ضرورت ایجاب کرد و باید در فضای اختلاطی حضور یابند و ناچار به ارتباط‌گیری مستقیم با جنس مخالف باشند، به چه صورت و با چه کیفیتی حضور یابند؟

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَابِيبِهِنَّ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَن يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا. (احزاب / ۵۹)
ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و زنان مؤمن بگو اطراف چادرهایشان را بر خویش نزدیک کنند (روگیری) این کار، برای اینکه (به پاکی و عفت) شناخته شوند و آزار نبینند نزدیک‌تر است و خداوند آمرزنده‌ای بخشاینده است.

سبب نزول آیه مزبور آن بود که بانوان برای اقتدا کردن به پیامبراکرمﷺ در مسجد حاضر شده و نماز را پشت سر آن حضرت به‌جای می‌آوردند، هنگام بازگشتن بعضی از جوانان ولگرد و اوباش مزاحم و متعرض آنها شده اذیت و آزار می‌نمودند. چه عادت ایشان آن بود که با کنیزان مزاح و شوخی می‌کردند. آنها شرارت را از حد گذرانده و متعرض زنان آزاد نیز می‌شدند. چنانچه از آنها بازخواست می‌کردند می‌گفتند گمان کردیم این بانو از جمله کنیزکان است. پروردگار عذر آنان را با نزول آیه حجاب برطرف نمود. (بروجردی، ۱۳۶۶: ۵ / ۳۷۴) از این شأن نزول استفاده می‌شود که قرآن کریم برای تمایز زن آزاده مسلمان از کنیز دستور حجاب را صادر کرده است. ازاین‌رو برخی مفسران بر اساس همین آیه و با استشهاد به اشعار عرب، معتقدند پوشیدن جلباب، مخصوص زنان آزاد بوده تا بدین‌وسیله آزاد بودن آنها از زنان کنیز، تمییز داده شود و مورد اذیت دیگران قرار نگیرند. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۲۱ / ۳۲۹)

«جلابیب» جمع «جلباب» و به ملحفه، رداء و عبا که تمامی بدن، از سر تا پا را فرا می‌گیرد و از روی سایر لباس‌ها پوشیده می‌شود. چیزی همانند چادر امروزی گفته می‌شود. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱ / ۲۷۳) البته در تفسیر جلباب، اقوال گوناگونی وجود دارد که صحیح و تحقیق آن همان پوشش سرتاسری است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۵۵۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۲۶۴)

نکته ظریف این آیه، آن است که فرمود: «یدنینَ»؛ «نزدیک کنند»؛ یعنی این چادری که بر روی تمامِ پیکرِ خود انداخته‌اند را به خود نزدیک کنند و روگیری کنند و آن را رها نگذارند، به‌گونه‌ای که حتی در برخی از تفاسیر به پوشاندن صورت مگر به مقدار اندک مانند باز گذاشتن یک چشم معنا شده است؛ (زحیلی، ۱۴۱۱: ۲۲ / ۱۰۶؛ ابن‌ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۱۰ / ۳۱۵۵) گویا خدای متعال با این تعبیر خواسته پوشش همراه با عفت‌مئابی را برساند؛ زیرا وقتی جلباب را به خود نزدیک کند و روگیری کند حالت و گارد عفیفانه‌ای به‌دست می‌آید که موجب تعیین مرز پررنگ با نامحرم می‌شود (قرشی، ۱۳۷۵: ۸ / ۳۹۳) که با مصلحت آیه «أَدْنِي أَن يُعْرَفْنَ» هم تناسب دارد.

نکته مهم دیگر آنکه، خدای متعال در این آیه، پیش از بیان حکم پوشش حداقلی و واجب [روسری][1] به کیفیت کامل‌تر آن ـ یعنی استفاده از چادر ـ که با هدف (عفاف) سازگاری بیشتری دارد و نزد فقهاء مشهور متاخرین مستحب است، پرداخته است؛ آن هم نه هر چادری بلکه چادر با کیفیتی که تعیین مرز با نامحرم کند؛ یعنی روگیری داشته باشد که این نشانگر آن است که تعریف ارزش‌ها و هنجارسازی مبتنی بر آن ارزش‌ها باید از سطوح قوی‌تر و ایده‌آل‌گرایانه باشد و هرگز مردم را در اکتفا به حداقل‌ها قانع نسازیم.

---

۱. که در آیه بعدی بر اساس سیر نزول قرآن، در سوره نور آیه ۳۱ بیان شده است.

خدای سبحان دوباره، در این آیه نیز بیان می‌کند که هدف از جلباب، این است که زنان بـه عفـاف و پاکدامنی شناخته شوند (کاشانی، ۱۳۳۶: ۷ / ۳۳۳؛ حسینی شیرازی، بی‌تا: ۴ / ۳۵۹) که اهمیـت عفـاف و ابزار بودن حجاب برای رسیدن به عفاف را نشان می‌دهد.

روش تبلیغی قرآن نیز قابل‌توجه است. حکم پوشش جلباب را به‌صورت یک حق و مزیت بیان نموده، نه به‌صورت تکلیف، ازاین‌رو به آنها وعده بهشت و جهنم نداده بلکه آنها را به‌دلیل عقلی ارجاع داده است: «ذلِكَ أَدْنِي أَنْ يُعْرَفْنَ فَلا يُؤْذَيْنَ؛ این (کار) برای اینکه (به پاکدامنی) شناخته شوند و آزار نبینند نزدیک‌تر است» و همین‌طور جلباب و چادر را به‌عنوان یک پوشش منزلت‌آور و منفعت‌دار معرفی کرده است.

به قرینه نزول این سوره پیش از سوره نور، معلوم می‌شود کـه ایـن آیـه در صـدد تحدیـد حجـاب و نمایاندن حد و مرز برای آن نبوده است، بلکه نشانه‌ای برای زنان آزاده و پاکدامن و امتیاز قلمـداد کـردن آن به هدف پذیرش با شوق بیشتر حجاب برای آنان بوده است. (عابدینی، ۱۳۷۹: ۴۹ تا ۹۲)

۴. حجاب و پوشش حداقلی (روسری به منزله حداقل پوشش)

در گام بعدی، قرآن با در نظر گرفتن ظرفیت‌های گوناگون انسان‌ها، راه را برای کسـانی کـه تـوجهی بـه مراتب عالی عفاف و پاکی ندارند باز گذاشته و ضوابط حداقلی را بیان نموده است:

> وَقُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ... . (نور / ۳۱)
>
> و به زنان مؤمنه بگو دیدگان (از نگاه حرام) فرو دارند و پاکدامنی ورزند و زیور خود را (در مقابل نامحرم)آشکار نگردانند مگر آنچه که خود پیداست و باید روسری‌هایشان را بر گریبان خویش افکنند ... .

در این آیه شریفه الگوی مدیریتی مؤثر فرهنگی آموزش داده شده است. در این آیه، امر به پاکدامنی و حفظ فرج شده: «وَ يحْفَظْنَ فُرُوجَهُن» و بلافاصله راهکار عملیاتی و کاربردی آن را ارائه می‌دهد و بیان می‌کند که چطور باید این کار را انجام داد: «وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» و باز بلا فاصله مدل‌سازی می‌کند و بیان می‌کند که چطور باید تمام بدن مگر صورت و دستان را پوشاند: «وَ لْيَضْرِبْنَ بخِمُرِهِنَّ عَلي جُيُوبِهِنّ» در اینجا می‌شد تا بگوید گریبان و سینه‌ها را بپوشانند اما از ماده «ضرب» به‌معنای زدن استفاده کرده؛ یعنی روسری خود را بر گریبان خویش بزنند[1] (کنایه از محکم و سفت بستن) به‌طوری که «جیوب» یعنی گلو و سینه‌ها را به‌طور کامل بپوشاند.

---

۱. بر همین اساس، در ضرب معنای القاء و وضع، تضمین شده و به‌همین دلیل با «علی» آمده است (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۸ / ۳۴)

۵. استثناء حجاب

وقتی هنجارسازی و تبلیغ حجاب بر اساس سلسله مراتبِ ایدئال‌ها شکل گرفت و فضای عمومی در جهت عفّت‌ورزی هرچه بیشتر رقم خورد؛ می‌توان واقعیت‌های مسئله را مورد توجّه قرار داد و بدون ایجاد هرگونه تالی فاسد نگاهی اعتدالی و منعطفانه در جای لازم داشت و قرآن کریم با مهندسی هنجاری زیرکانه خود این کار را انجام داده و حالا بدون هیچ دغدغه‌ای حکم جواز کشف حجاب سر را نیز بیان می‌کند؛ زیرا حجاب ابزاری برای صیانت از عفاف بود واگر در جایی بدون حجاب و پوشش شرعی، لطمه‌ای به عفاف فرد وارد نشود الزام به حجاب هم برداشته خواهد شد.

> وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاء اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَن يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَن يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. (نور / ۶۰)
>
> و بر زنان پیر و از کارافتاده‌ای که امید زناشویی ندارند، گناهی نیست که پوشش خود را وانهند بی‌آنکه جلوه‌گری کنند و (البته) پاکدامنی پیشه کردن (و پوشش داشتن) برای آنان بهتر است و خدا شنوایی دانا است.

تشریع حکمِ استثناء حجاب برای پیرزنان، نشان می‌دهد که احکام اسلام بر اساس مصالح و مفاسد واقعی است و بر اساس ضرورت‌ها و برای پاسخ‌گویی به نیازها و در راستای بالا رفتن سطح کیفی زندگی انسان‌ها است نه به قصد ایجاد تکلّف و سختی. از این‌رو اگر در جایی مفاسدی که موجب وجوب یا حرمت امری شده بود از بین رفت، آن حکم هم برداشته می‌شود حتی اگر حکم آن امر از ضروریات دین و مورد اهتمام ویژه شارع باشد، مانند وجوب حجاب، که با وجود اینکه از ضروریات دین است ولی درباره زنان سالخورده، که دیگر کسی به آنها رغبت جنسی ندارد، تخفیف یافته است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۱۶۴؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۳ / ۱۱۹)

با وجود شرایط مذکور در آیه (عدمِ جذّابیت جنسی و عدم تبرّج)، و به تبعِ آن، از بین رفتن زمینه مفاسدِ اجتماعی ناشی از کشفِ حجاب، حکمِ الزامی حجاب برداشته شده، اما همچنان مصالحِ فردی حجاب وجود دارد، از این‌رو می‌فرماید: «وَأَن يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ» زیرا از نظر اسلام هر قدر زن جانب عفاف را رعایت کند و مصادیق آن مانند حجاب را عمل کند. پسندیده‌تر و به تقوا و پاکی نزدیکتر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴ / ۵۴۲) و این امر نشانگر آن است که عفّت‌مئابی، نقطه اصیل الزام یا عدم الزام به پوشش است.

ج) نظریه حریم جنسی

بر اساس سیر نزول آیات و مطالبی که ذیل آنها بیان شد، می‌توان به یک نظریه رسید؛ بدین‌بیان که

شریعت مقدّس درصدد آن است تا در تمامی عرصه‌های زندگی، بین دو جنس زن و مرد، حریمی تعریف‌شده و متناسب با مقتضیات و واقعیات زندگی بشری وجود داشته باشد، به‌گونه‌ای که تا حد امکان تماس و ارتباط‌گیری غیر ضرور وجود نداشته باشد که البته این مطلب مبتنی بر ویژگی‌های تکوینی و واقعی‌های وجودی دو جنس است که مصالح واقعیه‌ای آن را اقتضا می‌کند. این حریم‌سازی جنسی که در ساختاری هنجاری در سطح اجتماع عملیاتی می‌شود، رویکردی ایدئالی دارد لذا اجبار و فرآیند انتظامی برای آن در نظر گرفته نمی‌شود بلکه صرفاً با هنجارسازی و ارزش‌سازی، شیب اجتماعی را به‌سوی ایدئال‌ها کشانده و با فراهم کردن شرایط لازم، سوقِ به ایدئال‌ها را آسان و ممکن می‌سازد و در این میان حجاب به‌عنوان حریمی برای یکی از ساحت‌های زندگی بشر؛ یعنی ساحتی که زن نیاز به حضور در فضای اختلاطی و ارتباط‌گیری مستقیم با جنس مخالف دارد، در نظر گرفته شده که ضمن در نظر گرفتن نیاز و ضرورت‌های زن برای حضور در فضای عمومی و همین‌طور در نظر گرفتن لطافت و آسیب‌پذیری روح او، حجاب شرعی را تقنین نموده است، از این‌رو مُدل حجاب شرعی، تمامی طرحِ اسلام برای مهندسی تحققِ حجاب در جامعه نیست، بلکه جزئی از این پروژه به‌حساب می‌آید و استراتژی اصلی، در این مهندسی، پیاده‌سازی نظریه حریم جنسی است.

د) شروع ترویج حجاب از طبقه حاکم (گروه و طبقه برخوردار و خانواده مسئولان)

همیشه اصلاح طبقه حاکم از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است؛ زیرا اشراف و طبقه حاکم از منزلت اجتماعی به‌خصوصی برخوردارند و بیشتر مورد توجّه هستند و همین امر موجب گرایش باقی افراد به نوع سبک زندگی آنها می‌شود، ازاین‌رو هر کار فرهنگی که قرار باشد به تغییر رفتار آحاد مردم بینجامد باید از طبقه حاکم و بزرگان شروع شود. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید:

> دو گروه هستند که اگر اصلاح شوند امت من نیز اصلاح خواهند شد! و اگر فاسد شوند امت نیز فاسد خواهد شد! و آن دو گروه حاکمان و سخنوران هستند. (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۶ / ۱۸۳)

در مقوله حجاب نیز چنین است. اگر بخواهیم به تغییر رفتار در بدنه جامعه برسیم باید از طبقه حاکم شروع کنیم. خدای متعال در سوره احزاب در آیه‌ای که مربوط به جلباب است، چنین می‌فرماید:

> يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَابِيبِهِنَّ ... . (احزاب / ۵۹)
> ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و زنان مؤمن بگو چادرهایشان را بر خویش نیک بپوشند ... .

خدای سبحان هنگام بیان حکم مربوط به جلباب خطاب به حاکم اسلامی، شخص پیامبرﷺ می‌کند و به او امر می‌کند تا ابتدا به همسران و دختران خود و سپس به سایر زنان حکم را ابلاغ کند.

هـ) مردان، مسئول و پاسخ‌گوی حجاب زنان

در مهندسی تحقق حجاب در اسلام، نقش مدیریتی و اداره میدانی مسئله حجاب به‌عهده مردان سپرده شده است و به‌تبع پاسخ‌گویی نسبت به کیفیت پوشش زنان نیز بر عهده آنان گذاشته شده است. برای این مدّعا دلائل و قرائن مختلفی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

خدای متعال در سوره احزاب می‌فرماید:

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا .... وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِن وَرَاء حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ. (احزاب / ۵۳)

ای مردانی که ایمان آورده‌اید! .... و چون متاعی (کالایی) از آنان (زنان پیامبر) خواستید از پشت پرده بخواهید، که آن پاکیزه‌تر است برای دل‌های شما و دل‌های آنان.

با وجود اینکه وظیفه زنان است که خود را از انظار پنهان کنند و از پشت پرده بیرون نیایند اما امر خدا متوجه مردان شده و به آنها دستور داده از پشت پرده و بدون مواجهه مستقیم ارتباط برقرار کنند درحالی‌که مناسب مقام آن بود که امر متوجه زنان شود. این که خطاب بر مردان شده می‌تواند نشان از نقش مردان در تحقّق حریم و رعایت آن از سوی زنان باشد. و اینکه مردان باید در تعاملات خود به‌گونه‌ای رفتار کنند که نوامیس خود را به این سمت سوق دهند. آنها مسئول مدیریت و ساماندهی به فضای سالم روابط اجتماعی هستند و از همین‌رو است که خدا در وجود مردان صفت نفسانی غیرت را قرار داده تا به‌طور ناخودآگاه نسبت به نوامیس خود و در درجه دوم نسبت به نوامیس دیگران دغدغه‌مند باشند.

خدای متعال در آیه مربوط به جلباب چنین می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاء الْمُؤْمِنِينَ ...؛ (احزاب / ۵۹) ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و زنان مردان مؤمن بگو ...».

در اینجا به‌طور مستقیم به زنان خطاب نشده است درحالی‌که می‌خواهد حکم مربوط به زنان را بیان کند بلکه خطاب متوجّه شخص پیامبر شده است: «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ» آن‌هم از دو حیث: یکی به‌عنوان سرپرست و مسئول خانواده خود: «لِأَزْواجِكَ وَ بَناتِكَ»، که این نشانگر آن است که پدر و سرپرست خانواده، موظف به ارشاد، هدایت و راهبری زنان و دختران خود در مسیر عفاف و رعایت شاخص آن؛ یعنی حجاب است و یکی به‌عنوان سرپرستِ سرپرست‌های خانواده‌ها (حاکم اسلامی) «نِساءِ الْمُؤْمِنينَ؛ زنان مردان مؤمن»، می‌توانست بگوید: «نساء المؤمنات؛ به زنان مؤمنه» بگو که از چادر استفاده کنند؛ چرا

گفته است: «زنان مردان مؤمن»؟! گویا می‌خواهد بفهماند گفتن و ابلاغ پیامبرﷺ به زنان دیگر از حیث مردان مؤمنی است که عهده‌دار سرپرستی خانواده هستند؛ زیرا حجاب برتر، نشانی از اصالت خانوادگی و برندِ یک خانواده ایمانی است و ایمان یک مرد، در شاخص کیفیت پوشش ناموسش محک می‌خورد.

و) ساماندهی مسئله حجاب با رویکرد فرهنگی نه امنیتی

ممکن است سؤال‌هایی مطرح شود که آیا حجاب از سوی حاکمیت الزام می‌شود یا افراد جامعه (خصوصاً زنان) برای دستیابی به منزلت اجتماعی با پذیرفتن دشواری‌های حجاب، خود را ملتزم می‌کنند؟ آیا حجاب در عصر پیامبرﷺ اجباری بود؟ جواب به این سؤال‌ها، مثبت است با این توضیح که در عصر نبوی نیز حجاب، اجباری بوده اما نه به شیوه اجبار، فشار و الزام حاکمیت؛ بلکه به روش التزام مردمی و منفعت داشتن رعایت حجاب برای افراد جامعه؛ بدین صورت که عدم التزام به حجاب اسلامی افزون بر محروم‌سازی شخص از مزایا و منافع اجتماعی او را به انزوای اجتماعی می‌کشانده است، خدای متعال می‌فرماید:

> يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْواجِكَ وَ بَناتِكَ وَ نِساءِ الْمُؤْمِنينَ يُدْنينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلابِيبِهِنَّ ذلِكَ أَدْنى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلا يُؤْذَيْنَ وَ كانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحيماً. (احزاب / ۵۹)
>
> ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و زنان مؤمن بگو چادرها یشان را بر خویش نیک بپوشند این (کار) برای اینکه (به پاکدامنی) شناخته شوند و آزار نبینند نزدیک‌تر است و خدا آمرزنده‌ای بخشاینده است.

در آیه نیز، حکم پوشش جلباب به‌صورت یک حق و مزیت برای زنان بیان شده نه به‌صورت یک تکلیف و مسئله انتظامی؛ ازاین‌رو به آنها وعده بهشت و جهنم داده نشده بلکه آنها به دلیل عقلی و فلسفه حجاب ارجاع داده شده‌اند: «ذلِكَ أَدْنى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلا يُؤْذَيْنَ». (قرائتی، ۱۳۸۸: ۹ / ۳۹۹) عقلی بودن این حکم براساس دیدگاه یکی از مفسران در تفسیر بخش پایانی آیه نیز تأیید می‌شود:

> و از جمله اخیره «كانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً» کاملا می‌فهمیم که قبل از نزول آیه حجاب، زنان عفیفه به حکم عقل و فطرت سلیم خود، کشف و بی‌حجابی در ملأ عام را حرام و معصیت می‌دانستند و حجت از این جهت چون بر آنها بوده، پس در ردیف گناهکاران و مشمول غفران حضرت رحمان واقع شوند. (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۰ / ۴۹۰)

همین‌طور جلباب و چادر را به‌عنوان یک پوشش منزلت‌آور و موجب معروفیت‌شان به پاکی معرفی کرده که بر خلاف رویکرد امنیتی نه تنها موجب جبهه‌گیری مخاطب نمی‌شود بلکه او را مشتاق به اطاعت می‌نماید.

نتیجه

عفاف و توان خودکنترلی در منظومه تعالیم دینی دارای اصالت است و تعفف از اهداف واسط تعبد است و حجاب، ابزاری کارآمد و همیشگی برای تحقق آن در جامعه است.

مسئله اصیل و دغدغه تربیتی مهم انسان‌ها در روابط بین فردی، عفاف، طهارت باطنی و ملکه خودکنترلی است؛ زیرا اگر عفاف از جامعه‌ای رخت برچیند؛ دیگر حجاب و پوشش ظاهری نیز کارکرد خود را از دست خواهد داد.

براساس تحلیل تفسیری سیر نزول آیات قرآن در تبیین مسئله حجاب در می‌یابیم که قرآن با سیری هدفمند، فضای هنجاری خاصی را در جامعه به‌وجود می‌آورد که موجب می‌شود تا افراد نسبت به دستور حجاب به‌راحتی و به‌طور کامل، پذیرا باشند و بر اساس این سیر نزول به نظریه حریم جنسی رسیدیم، که بر اساس آن، سیاست اصلی شریعت اسلام بر حریم‌سازی بین دو جنس است که گستره آن منوط به مقتضیات و همین‌طور واقعیت‌های تکوینی بین دو جنس است و حجاب یکی از حریم‌سازی‌هایی است که برای بخشی از ساحت‌های زندگی انسان تعریف شده است.

تبلیغ و ترویج حجاب مانند هر مقوله فرهنگی دیگری که بخواهد به تغییر رفتار افراد جامعه منجر شود باید از طبقه حاکم بر جامعه آغاز شود و این مردان هستند که باید مدیریت و نظارت بر پوشش زنان را عهده‌دار باشند و این امر فقط با رویکرد فرهنگی نه امنیتی قابل اجرا است.

بر اساس نتایج به‌دست آمده به شاخص‌ها و گزاره‌هایی دست می‌یابیم که باید در سیاست‌گذاری‌های کلان و اسناد بالادستی لحاظ شود تا بتوانیم در جامعه امروز نسبت به تحقق حجاب در جامعه توفیق داشته باشیم که عبارتند از:

برنامه‌ریزی حاکمیت در حوزه نهادینه کردن فرهنگ عفاف باید به گونه‌ای باشد، که رعایت حجاب اسلامی با شواهد دیگر عفاف رفتاری همراه گردد و به‌عنوان ملاکی، در تعیین میزان تشخّص و منزلت اجتماعی باشد.

برنامه‌ریزی دولت باید در جهت عدم علاقه به حضور غیرضرور بانوان در اجتماع و علاقه‌مند کردن بانوان به حضور در منزل و وجود اشتغالات مفید و مورد رضایت بانوان در خانه و تمهیداتی در جهت محبوبیت فرزندآوری، مادری و خانه‌داری داشته باشد.

سیاست‌گذاری‌های حاکمیتی باید به سمت و سویی باشد که افزون بر ممانعت نکردن از کسانی که می‌خواهند به حداقل‌ها اکتفا کنند؛ شرایط لازم برای افرادی که می‌خواهند مراتب بالاتر عفاف را رعایت کنند نیز فراهم باشد و جهت‌گیری سیاست‌ها نیز به‌سوی ترغیب مردم به گرایش به مراتب بالاتر عفاف و خودکنترلی باشد.

در راستای ارتقاء فضای اخلاقی جامعه؛ باید فضاهای اجتماعی و ارتباطی به‌گونه‌ای باشد که تا حد امکان ارتباط مستقیم دو جنس به حدّاقل برسد.

مجموعه حاکمیتی برای ساماندهی مسئله حجاب، باید ضرورتاً به پشتیبان‌های حجاب توجّه کافی داشته باشد. از جمله: مسئله ترویج زیست عفیفانه به‌عنوان بستر فهم صحیح از مسئله حجاب و نیز تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری و غیرت‌مندی در مردان نسبت به کیفیت پوشش و ارتباطات نوامیس آنان.

باید ترویج مسئله حجاب، از طبقه حاکم (گروه برخوردار از امکانات و قدرت ویژه) بر جامعه آغاز شود و زنان و خانواده‌های آنها نه‌تنها حجاب اسلامی را رعایت کنند، بلکه باید گرایش به مراتب بالاتر پوشش داشته باشند تا جریان گرایش به حجاب برتر و حجاب فراتر در مسئله حجاب در بین اقشار مختلف مردم شکل گیرد.

در خصوص مسئله حجاب، به‌ویژه چادر باید برندسازی صورت بگیرد؛ به این معنا که چادر به‌عنوان یک پوشش منزلتی نشانه تشخّص و ترقّی شناخته شود.

مسئله حجاب و پوشش بانوان نباید با رویکرد امنیتی و انتظامی ساماندهی شود، بلکه باید با رویکردی کاملاً فرهنگی نسبت به منزلت‌سازی حجاب اسلامی به‌عنوان یک پرستیژ اجتماعی مبادرت شود که در این میان رسانه نقش به‌سزایی می‌تواند ایفا کند.

در ترویج مسئله حجاب نباید کلّی‌گویی شود که به‌طور مثال باید همگان عفیف و پاکدامن باشند؛ بلکه حاکمیت باید در فرآیند فرهنگ‌سازی، مصداق‌سازی کند و حوزه‌هایی که باید از رویکرد عفیفانه برخوردار باشد را به‌خوبی روشن سازد و سپس راهکارهای کاربردی جهت مدیریت رفتاری این حوزه‌ها را ارائه دهد و در آخر الگوها و مدل‌های از پیش طراحی‌شده را ارائه دهد تا افراد بتوانند به‌راحتی به جمع‌بندی عملی برای سبک رفتاری خویش برسند.

منابع و مآخذ

الف) کتاب‌ها

- *قرآن کریم*.
- آلوسی، سید محمود، ۱٤۱۵ ق، ***روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی***، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابن‌ابی‌حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ۱٤۱۹ ق، ***تفسیر القرآن العظیم***، ریاض، مکتبة نزار.
- ابن‌بابویه (صدوق)، محمد بن علی، ۱٤۰٤ ق، ***کتاب من لا یحضره الفقیه***، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

- ابن‌عاشور، محمدطاهر ۱٤۲۰ ق، *تفسیر التحریر و التنویر*، بیروت، التاریخ العربی.
- ابن‌فارس، احمد، ۱۴۰۴ ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الإعلام الإسلامی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن کثیر، ۱٤۱۲ ق، *تفسیرالقرآن العظیم*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱٤۱٤ ق، *لسان العرب*، دمشق، دار القلم.
- ابوحیان، محمد بن یوسف، ۱٤۲۰ ق، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت، دار الفکر.
- اردبیلی، احمد بن محمد، ۱٤۰۳ ق، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- امام خمینی، سید روح الله، ۱۳٦۳، *تحریر الوسیلة*، قم، اسماعیلیان.
- ـــــــــــ، ۱۳۹۱، *رساله توضیح المسائل*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- بروجردی، سید ابراهیم، ۱۳٦٦، *تفسیر جامع*، تهران، کتابخانه صدر.
- جرجانی، ابو المحاسن، ۱۳۴۱، *جِلاء الاذهان و جَلاءُ الاحزان*، تهران، محدث ارموی.
- حرعاملی، محمد بن حسن، ۱٤۰۹ ق، *تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.
- حسینی شیرازی، سید محمد، بی‌تا، *تقریب القرآن إلی الأذهان*، قم، ایمان.
- زحیلی، وهبه، ۱٤۱۱ ق، *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*، دمشق، دار الفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر، ۱٤۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الکتاب العربی.
- سابق، سید، ۱۴۰۷ ق، *فقه السنه*، بیروت، بی‌نا.
- سبزواری، محمد، ۱٤۰٦ ق، *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، بیروت، دار التعارف.
- سید قطب، ۱٤۰۸ ق، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دار الشروق.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱٤۱٤ ق، *الدرّ المنثور فی التفسیر بالمأثور*، بیروت، دارالمعرفه.
- شاه عبدالعظیمی، حسین، ۱۳٦۳، *تفسیر اثناعشری*، تهران، میقات.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱٤۰۸ ق، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*، قم، فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱٤۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، بی‌تا، *العروة الوثقی*، بیروت، مؤسسة الأعلمی.

- طبرسی، فضل بن حسن، ۱٤۱۲ ق، *تفسیر جوامع الجامع*، تهران و قم، سمت و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- ـــــــــــ، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصرخسرو.
- عابدینی، احمد، ۱۳۷۹، «سیری در آیات حجاب»، *فصلنامه فقه*، ش ۲۳، ص ۹۲ ـ ٤۹، قم، دفترتبلیغات اسلامی.
- عسکری و دیگران، ۱۳۸۷، «حضور بانوان در مسجد»، *پاسدار اسلام*، ش ۳۲۷ و ۳۲۸، ص ۵۳ ـ ٤٦، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، *تفسیر نور*، تهران، مرکز درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی‌اکبر، ۱۳۷۵، *تفسیر أحسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت.
- قمی، علی بن ابراهیم قمی، ۱۳۶۳، *تفسیر القمی*، قم، دار الکتاب.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱٤۰۹ ق، *کتاب العین*، بیروت، دار الهجره.
- فیومی، احمد بن محمد، ۱٤۱٤ ق، *مصباح المنیر*، بیروت، دار الهجره.
- کاشانی، فتح الله، ۱۳۳٦، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، اعلمی.
- کاشانی، محمد بن مرتضی، ۱٤۱۰ ق، *تفسیر المعین*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱٤۰۷ ق، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر، ۱٤۰۳ ق، *بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار*ﷺ، بیروت، دار إحیاء التراث العربی.
- مروارید، علی اصغر، ۱۴۱۰ ق، *سلسلة الینابیع الفقهیه*، بیروت، فقه الشیعه.
- مطهری، مرتضی، ۱۳٦۸، *مسئله حجاب*، تهران، صدرا.
- مغنیه، محمدجواد، ۱۳۸٤، *التفسیر المبین*، قم، بنیاد بعثت.
- ـــــــــــ، ۱٤۲٤ ق، *التفسیر الکاشف*، قم، دار الکتاب الإسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷٤، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- ـــــــــــ، ۱۳۹۵، *رساله توضیح المسائل*، قم، مدرسه امام علی ابن‌ابیطالبؑ.
- نوری، میرزاحسین، ۱٤۰۸ ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، موسسة آل البیتﷺ.

ب) مقاله‌ها

- رهنما، اکبر و دیگران، ۱۳۹٤، «بررسی مفهوم حجاب در متون اسلامی، جایگاه آثار و جلوه‌های تربیتی آن»، ***پژوهشنامه معارف قرآنی***، ش ۲۲، ص ٥٤ ـ ۳۷، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شفیعی مازندرانی، سید محمد، ۱۳۹۰، «چیستی حجاب اسلامی معناشناسی حجاب از منظر آیات حجاب»، ***پژوهش‌های فقهی***، ش ۲، ص ۷۲ ـ ٤۹، قم، پردیس فارابی دانشگاه تهران.